

جنایت شجره ملعونہ

بررسی ناگفته‌ها و ابهامات فاجعه منا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جنایت شجره ملعونه

بررسی ناگفته‌ها و ابهامات فاجعه منا



پښتانه پښتانه پښتانه
www.BORHAN.ir

جنایت شجره ملعونه

www.BORHAN.ir
info@borhan.ir

تهران، چهارراه فرمانیه، خیابان بوستان، کوچه نسترن، پلاک
۳۲، واحد ۴

تلفن: ۸۸۳۰۸۵۱۷-۸۸۳۴۵۱۰۱

نمابر: ۸۸۸۱۰۲۱۱

پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به «انديشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.

فهرست

شرح حادثه	۹
ابهامات فاجعه	۹
۱- انسداد مسیر توسط پلیس سعودی	۹
۲- عدم امدادسانی سریع در حین حادثه	۱۰
۳- عدم امدادسانی پس از حادثه	۱۲
۴- جلوگیری از امدادسانی دیگر کشورها	۱۲
۵- نگهداری ابدان مطهر شهدا در وضعیت غیر مناسب	۱۳
۶- اخفاء اطلاعات و آمار مربوط به فاجعه	۱۴
۷- امحای مستندات مربوط به فاجعه	۱۵
۸- عدم اعطای دسترسی کنسولی به پیکرها و مجروحین	۱۵
۹- دفن غیرقانونی اجساد	۱۶
۱۰- دفن غیرشرعی اجساد	۱۷
۱۱- سانسور رسانه‌ای فاجعه	۱۸
۱۲- ابعاد سیاسی فاجعه و فرضیات موجود	۱۹
احتمال عامدانه بودن وقوع فاجعه	۲۰
لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب	۲۱
دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، کلید گره‌گشایی از فاجعه	۲۲
پیشنهادها و راهکارها	۲۳

ولی امر مسلمین، حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی):

اکنون قریب یک سال از حوادث مُدهش‌نا می‌گذرد که در آن، چند هزار نفر در روز عید و در لباس احرام، در زیر آفتاب و بالبتشنه، مظلومانه جان باختند؛ اندکی پیش از آن در مسجدالحرام نیز جمعی در حال عبادت و در طواف و نماز به خاک و خون کشیده شدند. حکام سعودی در هر دو حادثه مقصّرند؛ این چیزی است که همه‌ی حاضران و ناظران و تحلیل‌گران فقی بر آن اتفاق نظر دارند؛ و گمان عمدی بودن حادثه نیز از سوی برخی صاحب‌نظران مطرح شد.

تعَلُّل و کوتاهی در نجات مجروحان نیمه‌جانی که جان شیفته و دل مشتاق آنان در عید قربان با زبان ذاکر و ترنم آیات الهی همراه بود، نیز قطعی و مسلم است. مردان قسّی‌القلب و جنایت‌کار سعودی آنان را با جان‌باختگان، در کانتینرهای دربسته محبوس ساختند و به‌جای درمان و کمک یا حتّی رساندن آب به لبان تشنه‌ی آنان، آن‌ها را به شهادت رساندند. چند هزار خانواده از کشورهای گوناگون عزیزان خود را از دست دادند و ملّت‌های آنان داغدار شدند. از جمهوری اسلامی نزدیک به پانصد نفر در میان شهدا بودند. دل خانواده‌ها همچنان مجروح و داغدار است و ملّت همچنان غمگین و خشمگین است.

حکام سعودی به‌جای عذرخواهی و پشیمانی و تعقیب قضائی مقصّران مستقیم این حادثه‌ی هولناک، با نهایت بی‌شرمی و وقاحت، حتّی از تشکیل هیئت حقیقت‌یاب بین‌الملل اسلامی نیز سر باز زدند؛ به‌جای ایستادن در جایگاه متّهم، در جایگاه مدّعی ایستادند و دشمنی دیرین خود با جمهوری اسلامی و با هر پرچم برافراشته‌ی اسلام در مقابله با کفر و استکبار را با خباثت و سُبک‌سری بیشتر آشکار ساختند.

مقدمه

یک سال از فاجعه غمبار منا می‌گذرد و در این مدت بررسی‌های متعددی در این باره انجام گرفته و با این حال ابعاد پنهان و ابهامات بی‌شماری در این فاجعه به چشم می‌خورد. در این خصوص، اندیشکده برهان، با تشکیل کارگروه کارشناسی و انجام پژوهش‌های متعدد کوشیده است تا بر زوایای تاریک این واقعه دهشتناک، روشنای حقیقت بیافکند. در همین راستا برخی از مهم‌ترین ابهامات این فاجعه که هریک کیفرخواستی سنگین را علیه مسببین این فاجعه به رخ می‌کشد، بررسی گردید که از جمله آن انسداد مسیر توسط پلیس سعودی هدایت مردم به سمت خیابان فاقد امکانات و فاقد ظرفیت لازم، عدم امدادرسانی سریع در حین حادثه، پس از حادثه و جلوگیری از امدادرسانی دیگر کشورها، نگهداری ابدان مطهر شهدا در وضعیت غیرمناسب و عدم اعطای دسترسی کنسولی به پیکرها و مجروحین، سانسور رسانه‌ای، اخفاء اطلاعات و آمار مربوط به فاجعه و امحای مستندات مربوط به فاجعه و دفن غیرقانونی و غیرشرعی اجساد است. آنچه اکنون در پیشگاه مخاطبان محترم است، خلاصه‌ای از یافته‌های تحقیق و بررسی کارگروه کارشناسی و پژوهشی اندیشکده برهان در خصوص این واقعه است که جهت تنویر افکار عمومی منتشر می‌گردد. بدیهی است به دلیل رعایت اصل خلاصه‌سازی مطالب، مراجع و مآخذ تحقیق از متن حذف گردیده، اما علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به اندیشکده برهان از آن‌ها مطلع شوند. امید است این اثر مورد رضایت باری تعالی قرار گرفته و گامی در جهت زنده نگاه داشتن این فاجعه غمبار باشد.

اندیشکده برهان

شهریور ۱۳۹۵

ذی‌الحجه ۱۴۳۷

شرح حادثه

در بامداد روز ۲ مهرماه ۱۳۹۴، مطابق عید سعید قربان حادثه‌ای در مناسک حج رخ داد که دل همه مسلمین را به درد آورد. ماجرا مربوط به آخرین وقوف (در وادی منا) و در مسیر حرکت به سمت جمرات بود.

بر اساس گزارش‌های میدانی با ورود تعدادی از حجاج به خیابانی موسوم به ۲۰۴ و ورود حجاجی از مسیر روبرو، معبر موجود دچار ازدحام شده و در اثر فشار جمعیت و نیز فقدان امدادسانی به جان باختن هزار نفر از حجاج بیت‌الله الحرام انجامید. بررسی‌ها نشان می‌دهد این فاجعه، مرگبارترین حادثه در تاریخ حج ابراهیمی است.

ابهامات فاجعه

به نظر می‌رسد در مجموع فاجعه منا و رویدادهای پس‌از آن ابهامات زیادی وجود دارد که خود نشانگر مسبب یا عامل تعمیق فاجعه است. در بیشتر این موارد از دولت سعودی تخلفات و قصوری سر زده است که به برخی از آن‌ها می‌توان اشاره نمود:

۱- انسداد مسیر توسط پلیس سعودی هدایت مردم به سمت خیابان فاقد امکانات و فاقد ظرفیت لازم

اطلاعات موجود نشان می‌دهد بر اساس توافقی که میان مسئولان حج ایرانی و وزارت حج عربستان انجام پذیرفته بود مسیر عبور حجاج ایرانی، خیابان‌های سوق العرب و جوهره بوده است که صبح روز حادثه، پلیس سعودی تعدادی از کاروان‌های ایرانی و دیگر کشورها را به خیابان ۲۰۴ هدایت می‌کند.

بر اساس اظهارات شاهدان عینی و در مصاحبه با بسیاری از کسانی که در این مراسم عبادی شرکت کرده بودند: «پلیس تمامی مسیرهای ورودی و خروجی به محل انجام رمی جمرات را بسته و تنها یکی را باز گذاشته بود»، «نیروهای پلیس حاضر در صحنه بی تجربه بوده‌اند چراکه آن‌ها حتی جاده‌ها و اماکن اطراف را هم نمی‌شناخته‌اند.» «پلیس هنگامی که از او خواسته برای شناسایی یک جسد مصری بالای سر جسد بیاید، به او توهین کرده است.» «حجاج شیعه از ایران، عراق، افغانستان و چند کشور دیگر ابتدا وارد شده و پشت سر آن‌ها حجاج آفریقائی به سرعت وارد می‌شوند. در همین لحظه درب خروجی کانال توسط شرطه‌های سعودی به بهانه عبور یک شاهزاده سعود بسته می‌شود و بقیه ماجرا» ...

بر این اساس بررسی‌های حقوقی مجموع روایات و استنادات شاهدان عینی، میتوان گفت فعل مأموران دولتی عربستان مبنی بر انسداد درب‌های خروجی اصلی برای عبور کاروان امنیتی، موجب این فاجعه شده و چون مأموران وابستگان دولت هستند و فعل آن‌ها فعل دولت محسوب می‌شود، پس دولت عربستان مرتکب عمل خلاف تعهدات بین‌المللی شده است و این عمل نیز واجد شرط انتساب به دولت سعودی است. علاوه بر این ترک فعل عربستان یعنی عدم توجه به مراقبت‌های امنیتی، عدم ارائه تسهیلات بهداشتی، عدم ارائه و برگزاری توأم با امنیت اعمال حج، منجر به این حادثه شده است. در این حالت اگرچه عنصر معنوی فعل خلاف حقوق بین‌المللی حضور ندارد، یعنی «نیت و قصدی» برای ارتکاب وجود نداشته، ولی به‌رحال این عمل تخلف در حقوق بین‌الملل است و عمل تخلف نیز قابل انتساب به دولت سعودی می‌باشد و به همین دلیل دولت عربستان مسئولیت بین‌المللی پیرامون این موضوع دارد، هرچند اثبات هر یک از این دو رویکرد، موضوعی است که امکان دادخواهی را هموارتر می‌کند.

۲- عدم امدادرسانی سریع در حین حادثه

سهل‌انگاری و بی‌تفاوتی مأموران سعودی در برخورد با این فاجعه هم به گفته شاهدان عینی و هم به شواهد فیلم‌ها و تصاویر موجود، مسلم و محرز است؛ تا جایی که مأموران در حالی مشغول نوشیدن آب هستند که بسیاری از زائران در کنار آن‌ها روی زمین افتاده بودند و شاید یک قطره آبی که می‌نوشیدند، جان یک نفر حاجی را نجات

می داد.

تصاویر شهدای فاجعه نشان می دهد تعداد زیادی از آن‌ها با لبان خشکیده و عطشان دعوت حق را لبیک گفته اند و این مطلب با توجه به دمای نزدیک به ۵۰ درجه‌ای روز فاجعه در سرزمین حجاز معنا و مفهوم خاص خود را می یابد.

شاهدان عینی فاجعه منا که از این فاجعه جان سالم به در بردند، عنوان می کنند که اگر نیروهای امنیتی آل سعود پس از روی هم افتادن و روی زمین افتادن صدها زائر، آب آشامیدنی به این حجاج می رساندند، قطعاً قربانیان این فاجعه بسیار کمتر بودند. از سوی دیگر، حکومت سعودی هیچ اراده‌ای برای نجات جان حجاج از خود نشان نداد که نشانه آن نیز تأخیر چندساعته در رسیدگی به وضعیت حججی بود که زیر دست و پا گیر کرده و یا از حال رفته بودند. نکته دیگری که شاهدان عینی مطرح می کنند، این است که نیروهای سعودی با رژه رفتن بر روی جنازه‌ها در کشته شدن شمار زیادی از حجاج تعدد به خرج دادند. موضوع دیگری که شاهدان عینی عنوان می کنند، این است که در حالی که شمار زیادی از حججی که دچار ضعف شده اما همچنان زنده بودند و از نیروهای سعودی درخواست کمک و به خصوص آب می کردند، نیروهای سعودی صرفاً نظاره‌گر این درخواست‌ها بوده و هیچ اقدامی برای نجات این حجاج انجام ندادند. در همین حال، نیروهای امنیتی عربستان سعودی به حجج و نیروهای امنیتی دیگر کشورها نیز اجازه کمک‌رسانی به حججی را که هنوز زنده بودند و دیگرانی را که می توانستند با اقدام به موقع زنده بمانند، ندادند.

بر اساس گزارش‌ها، مأموران سعودی نه از مهارت لازم و نه از مسئولیت‌پذیری شایسته و به موقع در خصوص آسیب دیدگان برخوردار بودند و حتی گزارش‌هایی از موارد اهمال عامدانه و اقدامات ناکافی و نابسند پزشکی وجود دارد که نشان می دهد کمک‌رسانی به هیچ‌وجه خوب و مقبول نبوده است. موضوع اهمال در کمک‌رسانی به آسیب‌دیدگان فاجعه منا از دو روزنه حقوق بشری و حقوق بشردوستانه می تواند مطرح شود و استناد به هر دو و کنوانسیون‌های مربوط اقدامات سعودی محکوم و قابل پیگرد حقوقی است. با ارجاع به قوانین حقوق بشردوستانه می توان دید که به‌ویژه درباره مقررات عرفی امدادرسانی و کمک‌رسانی مؤکدات حقوقی زیادی وجود دارد که

دولت‌ها نمی‌توانند به‌هیچ‌وجه در این باره قصوری داشته باشند و یا اینکه حتی مانع و مشکلی در این باره ایجاد کنند.

۳- عدم امداد رسانی پس از حادثه

بر اساس گزارش‌های میدانی حین و پس از فاجعه پیکرهای مجروحین حادثه به‌وسیله خودروهای امدادی و غیره از محل منتقل شده است. دولت سعودی مدعی است که مجروحین به مراکز امدادی منتقل شده‌اند. با این حال قرائن و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد که پس از فاجعه، امداد رسانی صحیحی انجام نشده است. به‌عنوان نمونه تعداد شهدای فاجعه چندین برابر بیش‌تر از تعداد مجروحان است، حال آنکه در حوادث معمول دنیا این نسبت برعکس است.

این نسبت یک پیام روشن دارد و آن این است که پس از حادثه امداد رسانی مناسبی صورت نپذیرفته است.

بر اساس گزارش برخی شاهدان عینی، تعدادی هرچند معدود از قربانیان فاجعه در حالی که هنوز جان در بدن داشته‌اند به داخل کانتینرهای حمل اجساد منتقل شده و در زیر اجساد موجود تلبار شده‌اند.

علاوه بر این در تصاویری که از شهدای فاجعه پس از شهادت در پرونده‌های سعودی وجود دارد، تعداد قابل توجهی از شهدا وجود دارند که با لباس احرام و در مراکزی خارج از منا جان به جان آفرین تسلیم کرده‌اند و این ظن در ذهن تقویت می‌کند که تعدادی از حجاج ساعت‌ها بعد از حادثه و در مراکزی بیرون وادی منا بدون کوچک‌ترین امداد رسانی‌ای نگه‌داشته می‌شده و بر اثر عدم رسیدگی جان‌باخته‌اند.

۴- جلوگیری از امداد رسانی دیگر کشورها

گروه‌های امدادی و پزشکی ایرانی از همان ساعات اولیه وقوع این فاجعه، برای کمک به حال مجروحان این حادثه و پس از آن در بیمارستان‌های سعودی حاضر شدند تا نه تنها به حجاج ایرانی بلکه تا حد امکان به مجروحان سایر کشورها نیز خدمت‌رسانی کنند اما با ممانعت مسئولان سعودی مواجه شدند. یک راننده ایرانی آمبولانس در این زمینه می‌گوید: «به‌سرعت راهی محل حادثه شدیم ولی نیروهای امنیتی مانع شدند. گویا می‌خواستند با محاصره منطقه، ابعاد فاجعه را پنهان کنند.» واقعاً اگر در خوش‌بینانه‌ترین

حالت هم این ممانعت را سناریویی از پیش تعیین شده ندانیم، باید پرسید، چرا آن‌ها از پذیرش کمک بی‌منت نیروهای ایرانی به مجروحان که قطعاً بار سنگینی از دوش سعودی‌ها برمی‌داشت خودداری کردند؟

به‌طورکلی بر اساس سه شاخصه فوق یعنی ۱- فقدان امدادرسانی در حین فاجعه ۲- پس از فاجعه و ۳- ممانعت از کشورهای دیگر برای امدادرسانی می‌توان ادعا کرد حتی اگر دولت سعودی مسبب فاجعه نیز تلقی نگردد در خصوص جان باختن نیمی از شهدا (که ساعات بعد و بر اثر عدم امدادرسانی جان‌باخته‌اند) مقصر اصلی می‌باشد.

۵- نگره‌داری ابدان مطهر شهدا در وضعیت غیرمناسب

یکی از تخلفات دیگر، بی‌تدبیری در جمع‌آوری اجساد و بی‌احترامی به آنان است. بر اساس گزارش‌ها مأموران سعودی در ادامه، اقدام به جمع‌آوری اجساد و انتقال آن‌ها به کامیون‌ها کرده‌اند و آن‌طور که برخی شاهدان اعلام کرده‌اند، برخی از افراد بی‌هوش بودند که به‌وسیله سعودی‌ها به کامیون‌های حمل جسد منتقل شدند. یکی از مجروحان می‌گوید: «بعد از چند ساعت که با بدن‌های برهنه زیر آفتاب شدید صحرا بودیم، نیروهای امنیتی وارد شدند و به هوای این‌که ما مرده‌ایم، با چکمه از روی ما رد می‌شدند و همه را چه مرده چه بی‌هوش به کامیون منتقل می‌کردند.» با این اوصاف، این سؤال مطرح می‌شود چرا برخلاف مرحله حضور که مأموران سعودی باید عجله می‌کردند در این مرحله (مرحله تفکیک) باعجله اقدام به جمع‌آوری اجساد کردند و مجروحان و جان‌باختگان را از هم تفکیک نکردند؟

یکی دیگر از جنایاتی که آل‌سعود درباره فاجعه منا مرتکب شد، جدا نکردن به‌موقع جنازه‌ها از هم در منا و همچنین انباشت جنازه‌ها بر روی هم در کانتینرها بود که سبب ایجاد مشکلات فیزیکی و غیراخلاقی برای جنازه‌های حجاج شد. انباشت جنازه‌ها روی هم و دیر رساندن جنازه‌ها به سردخانه سبب شد آن‌گونه که برخی تصاویر منتشر شده توسط برخی حجاج و همچنین مطابق اظهارات برخی از شاهدان عینی نشان می‌دهد، صدها جنازه از حالت طبیعی خارج شده و حتی «سیاه» شود.

بر اساس اطلاعات و گزارش‌های موجود، بیشتر کانتینرهایی که پس از فاجعه مورد استفاده قرار گرفتند، اصولاً برای حمل مواد غذایی و گوشت دام تعبیه شده بوده و

فاقد امکانات لازم و درجه حرارت مناسب برای نگهداری اجساد انسان بودند. حتی بعد از بازگشایی کانتینرها مشخص شد که دستگاه تهویه و سرماساز برخی از آن‌ها، به کلی خراب شده و موجب متلاشی شدن و تغییر وضعیت پیکرها و حتی بنا به روایت شاهدان عینی به راه افتادن خونابه از کف کانتینرها شده بود.

یکی از تعهدات که عرف بین‌المللی با آن همراه است، رفتار مناسب با اجساد کشته‌شدگان است. کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تعهدات عرفی ناظر به این حوزه را در خلال مجموعه قواعدی که در این باب تنظیم نموده مورد اشاره قرار داده است. اولین تعهد، لزوم یافتن و جمع کردن اجساد کشته‌شدگان است. این تعهد به این معناست که طرفی که اجساد در اختیار اوست موظف است تمام اقدامات ممکن را انجام داده و تمام تمهیدات را فراهم سازد تا اجساد کشته‌شدگان پیدا بشود. این بدان معناست که طرف تعهد موظف است در صورتی که خود قادر به یافتن اجساد نیست، به سازمان‌های امدادی نیز اجازه کمک‌رسانی در این امر را بدهد. از سوی دیگر دولت‌ها متعهد هستند که نسبت به اجساد کشته‌شدگان با احترام برخورد کنند و نسبت به آن‌ها بی‌حرمتی نکرده و از آسیب رسیدن یا رساندن به پیکرها اجتناب و خودداری کنند. به نظر می‌رسد دولت سعودی در برخی از این موارد کوتاهی و سهل‌انگاری‌هایی داشته است.

۶- اخفاء اطلاعات و آمار مربوط به فاجعه

یکی از نکات مهم تناقضات موجود در خصوص آمار شهدای این فاجعه است در جای خود باید بررسی گردد. بر اساس آمار رسمی ای دولت سعودی در روزهای نخست فاجعه منتشر کرده است، تعداد جان‌باختگان ۷۶۹ نفر است و نکته جالب اینجاست باگذشت ایام و روشن‌تر شدن ابعاد فاجعه، این دولت هنوز آمار جدیدی را منتشر نکرده است و به نظر می‌رسد از منظر این دولت، آمار واقعی این فاجعه، طبقه‌بندی تلقی شده است.

درعین حال رسانه‌های غربی نیز آمارهایی از جان‌باختگان حادثه منتشر کرده‌اند از جمله ۲۰۲۳۶ نفر که خبرگزاری فرانسه اعلام نموده و یا ۲۰۴۲۶ نفر که از سوی آسوشیتدپرس رسانه‌ای شده است.

۷ مهرماه ۱۳۹۴، خبری بر روی سایت وزارت بهداشت سعودی منتشر گردید که به

نقل از حمد بن محمد الضویع معاون وزیر بهداشت سعودی آمار شهدا را ۴۱۷۳ نفر اعلام می‌کرد و البته این خبر چند ساعت بعد از حادثه از روی این وبگاه برداشته شد. ۲۳ مهر ۱۳۹۴ فهرستی در فضای مجازی منتشر گردید که نام ۷۴۷۷ نفر شامل شهدای شناخته‌شده و تعداد پیکرهای مجهول‌الهویه در آن به چشم می‌خورد که مربوط به فاجعه منا بود. پایگاه خبری مصری البدیل نیز صحت این فهرست را تأیید نمود. گزارش‌های میدانی از فاجعه و نیز نتایج تحقیق از یک‌سو و نیز روایت خانواده شهدایی که برای شناسایی ابدان پس از فاجعه سفر کرده‌اند، صحت آمار اخیر (یعنی بیش از ۷۰۰۰ نفر) را تأیید می‌کند. برای مثال در حال حاضر در منطقه معیصم (واقع در منا) قبرستانی اضطراری وجود دارد که در آن بیش از ۵۰۰۰ قبر در بسته وجود دارد که مربوط به شهدای عمدتاً غیر ایرانی فاجعه منا است و ۹۰۰ قبر دیگر مربوط به این فاجعه در قبرستانی در شرق عرفات وجود دارد.

تناقض مربوط به آمار و اصرار سعودی‌ها بر افشا نشدن اطلاعات آن اگر در روزهای ابتدایی ماجرا به‌عنوان واژه‌ها از فشار افکار عمومی قابل توجیه بود، اکنون و پس از گذشت یک سال به‌هیچ‌روی توجیه‌پذیر نیست. به نظر می‌رسد، این سانسور بیشتر از جهت نگرانی از افشای ابعاد دیگر ماجرا باشد که تاکنون پنهان مانده است.

۷- امحای مستندات مربوط به فاجعه

دستور مسئولان سعودی مبنی بر جمع‌آوری دوربین‌های مداربسته در محل وقوع فاجعه منا نیز بر عمق شائبه‌ها در خصوص ماهیت این حادثه می‌افزاید. وقتی این موضوع را در کنار اقدام برخی مأموران سعودی‌ها در جمع‌آوری و ضبط برخی تلفن‌های همراه افراد قرار می‌دهیم، این ذهنیت شکل می‌گیرد که سعودی‌ها چه واژه‌ای از فیلم‌های ضبط‌شده مربوط به این فاجعه دارند؟ تعداد قابل‌توجهی از شاهدان عینی می‌گویند مأموران سعودی دوربین و موبایل کسانی که اقدام به فیلم‌برداری می‌کردند را ضبط و حتی برخی از آن‌ها را بازداشت می‌کردند.

۸- عدم اعطای دسترسی کنسولی به پیکرها و مجروحین

بیشتر حجاج شهید منا از اتباع غیر سعودی بوده‌اند و دولت سعودی مطابق عرف بین‌المللی پذیرفته‌شده میان کشورها، موظف به رعایت موازین حقوقی مورد این افراد،

حتی پس از مرگ بوده است. مطابق بند اول ماده ۳۷ معاهده ۱۹۶۳ وین، هرگاه مقامات صلاحیت‌دار دولت پذیرنده در رابطه با فوت یکی از اتباع دولت فرستنده اطلاعاتی در دست داشته باشند، باید مراتب را بدون تأخیر به پست کنسولی که فوت در حوزه آن رخ داده است اطلاع دهد. در حالی که برخلاف این مقرر بین‌المللی، مقامات کشور عربستان در بدو امر از اعلام اطلاعات دقیق در خصوص شرایط موجود و آمار و تعداد قربانیان، مجروحان و مفقودین به کشورهای فرستنده امتناع نمودند و همچنین مانع از ورود مقامات سیاسی کشور ایران جهت نظارت و بررسی علل و وضعیت موجود در فاجعه منا گردیدند.

همچنین بر اساس اعلام مسئولان بعثه و سازمان حج، مأموران سعودی تا ۴ روز از هرگونه دسترسی عوامل کنسولی ایران به پیکرهای مطهر حجاج ایرانی جلوگیری به عمل آورده‌اند و دسترسی به بیمارستان‌ها نیز با چالش‌های جدی‌ای مواجه بوده است. این‌ها همه مواردی است که در تضاد آشکار با عرف پذیرفته‌شده حقوق بین‌الملل کنسولی است.

از طرفی دیگر، به‌موجب ماده ۳ عهدنامه مودت ۱۳۰۸ منعقد میان عربستان سعودی و ایران، عربستان مسئول تأمین امنیت و آسایش حجاج ایرانی می‌باشد. با توجه به اطلاعات و شواهد مربوط به فاجعه منا، دولت عربستان در حج سال گذشته از تأمین امنیت زائران ناتوان بوده است و همین موضوع سبب وقوع آن فاجعه عظیم و دردناک شد.

۹- دفن غیرقانونی اجساد

از جمله حقوق کنسولی شناخته‌شده، دسترسی به اجساد و اجازه انتقال آن به کشور متبوع است. با این حال در روزهای نخست، بنای سعودی‌ها بر آن بود تا کل شهدای منا را بدون سروصدای رسانه‌ای در مکه به خاک بسپارد و برای همین منظور نیز قبرستان معیصم با استعداد بیش از ۲۰ هزار قبر نیز فراهم آمده بود.

مستندات موجود نشان می‌دهد در روزهای نخست نیز فاز اول این تصمیم اجرایی شده و شتاب‌زده چند صد تن از پیکرهایی که به دلیل نگهداری نامناسب و غیراصولی در کانتینر نگهداری می‌شد، به خاک سپرده شده است.

پس از هشدار رهبر معظم انقلاب اسلامی به سعودی‌ها، در خصوص عمل به

وظایف خود در قبال پیکر، ناگهان ورق برگشت و آن‌ها مجبور به پذیرش نظر مسئولان ایرانی و خانواده‌های شهدا شده و البته با فراز و فرود زیادی پیکرها را به جمهوری اسلامی ایران تحویل دادند.

باین حال تعدادی از پیکرها و که در روزهای نخست با شتاب دفن شده بود، و چند پیکر که علی‌رغم شناسایی شدن از آخرین پروازهای انتقال جمعی پیکرها به جای مانده بود و نیز پیکر مفقودان ایرانی که شناسایی آن‌ها به طول انجامید، در قبرستان معیصم به خاک سپرده شد که همه این‌ها خلاف عرف بین‌الملل کنسولی و غیرقانونی بود. در مورد سایر کشورها نیز تعداد زیادی از حجاج کشورها، خصوصاً کشورهای ضعیف و با بنیه سیاسی اقتصادی پایین همچنان مفقوده بوده و ناشناس در مکه به خاک سپرده شده است.

نکته تأمل برانگیز این ماجرا آنجاست که درحالی که سعودی‌ها فقط در یک قبرستان معیصم بیش از ۲۰ هزار قبر اضطراری و آماده از چندین سال قبل محیا کرده بودند و چندین قبرستان دیگر به همین شکل در مناطق مختلف حرم وجود دارد، اما استعداد سردخانه مکه (معیصم) تنها حدوداً ۹۰۰ نفر بوده است. این بدان معنا است که آن‌ها پیش‌بینی حوادثی با تعداد قربانیان زیاد را داشته‌اند، اما پیش‌فرض آن‌ها این بوده است که اجساد بلافاصله پس از مرگ باید دفن شوند. این در حالی است که رژیم سعودی حق تصمیم درباره اجساد اتباع دول دیگر را نداشته است.

در کنار این‌ها البته دفن فوری و جمعی اجساد ناشناخته حاجی نیز پُرشائبه و ابهام‌برانگیز است؛ دفن حدود ۱۷۰۰ نفر حاجی از کشورهای مختلف بدون تعیین تکلیف هویت آن‌ها نشان می‌دهد که سعودی‌ها سعی می‌کنند به سرعت بسیاری از حقایق فاجعه منا را پاک کنند.

۱۰- دفن غیرشرعی اجساد

در روزهای ابتدایی فاجعه، به دلیل شتاب‌زدگی مشکوک سعودی‌ها، نگرانی‌هایی درباره احتمال دفن اجساد مطهر شهدا در گورهای دسته‌جمعی وجود داشت که با گذشت زمان و روشن‌تر شدن ابعاد ماجرا این نگرانی برطرف شد. باین حال بر اساس گزارش‌ها، این شتاب‌زدگی‌ها در روزهای نخست به پاره‌ای به نظمی‌ها در تدفین و عدم

درج اطلاعات صحیح نیز انجامیده است.

اما نکته مهم تر آن است که گزارش های میدانی و روایت برخی خانواده های شهدای اعزام شده برای شناسایی پیکرها نشان می دهد که دفن اجساد در قبور اضطراری معیصم بدون رعایت ضوابط و مناسک لازمه شرعی بوده، به گونه ای که تعدادی از پیکرها بدون انجام غسل و کفن، به همراه لباس های احرام و وسایل همراه در مقابری که دارای درب های باقابلیت باز شدن (دستگیره دار) هستند، تدفین شده بودند.

قابلیت های این قبور (که اصطلاحاً موقت شناخته می شوند) سبب می شد تا ماه ها پس از فاجعه، مأموران سعودی برای جبران اشتباهات شتاب زده خود در روزهای نخست (در عدم درج اطلاعات صاحب مقبره و...) درب قبور را باز و بسته کنند. از طرفی باید توجه داشت که پیروان فرقه ضاله و هابیت حرمتی که دیگر مسلمین درباره متوفیان قائل هستند را معتقد نبوده و همین امر در این اقداماتشان مؤثر بوده است.

۱۱- سانسور رسانه ای فاجعه

همان گونه که پیش تر نیز اشاره شد، حادثه منا، خون بارترین و مرگبارترین فاجعه تاریخ حج ابراهیمی است و نکته قابل تأمل آن است که این حادثه در عصر رسانه ها و ارتباطات رخ داده، با این حال در بسیاری از نقاط دنیا و حتی در کشورهای غربی، آن گونه که باید و شاید دیده و شنیده نشد.

این بدان معناست که فشار لابی های پنهان و آشکار سعودی ها و متحدانشان و نیز تطمیع رسانه ها با پترودلارهای سعودی، عملاً فاجعه را به سانسور کشانده است. جالب اینجاست که حتی رسانه های سعودی نیز پس از گذشت یک سال از فاجعه منا، همچنان آن را سانسور کرده و از درج هرگونه خبری مرتبط با آن می پرهیزند. تنها در این رسانه ها اشاراتی ضعیف به حادثه سقوط جثقیل به در حد محدود به چشم می خورد.

جالب اینجاست که حتی در روزهای نخست فاجعه، تعدادی از حجاج دارای تابعیت کشورهای غربی نیز جزو مفقودان فاجعه بودند، اما کمتر مورد توجه رسانه های این کشورها قرار گرفتند. این در حالی است که معمولاً این دولت ها به دلیل گرایش به تفرد (individualism) در چنین حوادثی با تمام قدرت، مدعی حقوق اتباع خود

می‌شوند و در موارد مشابه برای مثال در خصوص ادعای مفقود شدن اتباعشان در کشور ما کار را به جنجال رسانه‌ای نیز کشانده‌اند.

این‌ها نشان می‌دهد عزم جریان سانسور کننده این فاجعه تا چه حد بوده است. وجود چنین قدرتی در پشت‌صحنه ماجرا، سؤالات بشماری را در ذهن ایجاد می‌کند که برای مثال چرا قدرت‌های غربی حتی از حقوق اتباع خود نیز در فاجعه منا گذشتند؟ چه جریان‌ها و دولتی در پشت‌صحنه این ماجرا بودند که افشای ابعاد آن، منافع آن‌ها را به خطر می‌انداخت؟ و ...

۱۲- ابعاد سیاسی فاجعه و فرضیات موجود

فاجعه منا در مناسک حج رخ داد و سعودی‌ها عمدتاً مدعی بوده‌اند که حج را از سیاست جدا کرده‌اند. هرچند اصرار آن‌ها به عدم برپایی برائت از مشرکین، کشتار حجاج بی‌گناه ایرانی در سال ۱۳۶۶ و نیز سوءاستفاده‌های سیاسی بشماری که سعودی‌ها از کنگره عظیم حج، تاکنون کرده‌اند، این ادعا را ابطال می‌کند.

در خصوص فاجعه منا نیز فرضیات زیادی در خصوص ارتباط آن با تحولات سیاسی مطرح است که البته در جای خود در خور بررسی است.

تغییر تیم مدیریتی در سطوح عالی آل سعود که به تغییر رویکرد سیاسی نظامی این دولت از حالت محافظه‌کاری به ماجراجویی تهاجمی انجامید و منجر به تهاجم به یمن و کشتار مردم این کشور شد، مسئله‌ای نیست که بتوان از کنار آن به راحتی عبور کرد.

فاجعه منا درست در اولین حج بعد از روی کار آمدن سلمان بن عبدالعزیز و دو ولیعهدش رخ داد حوادثی همچون تعرض به دو نوجوان ایرانی در فرودگاه جده و حادثه مشکوک سقوط جرتقیل در مسجدالحرام که به شهادت بیش از ۱۰۰ نفر از حجاج انجامید، رویدادهایی است که پیش‌ازین فاجعه رخ داد و در کنار هم قرار دادن این‌ها حکایت از نوعی روند غیرطبیعی دارد.

برخی این روند را به بی‌کفایتی و سوءمدیریت تیم جدید آل سعود نسبت داده‌اند و برخی دیگر این فاجعه را رقابتی داخل کاخ «روضه الخیریم» میان شاهزادگان سعودی قلمداد کرده‌اند. از این منظر فاجعه منا می‌تواند نتیجه تلاش نهادهای نظامی وابسته به «محمد بن سلمان» (جانشین ولیعهد و وزیر دفاع) برای اثبات ناکارآمدی نهادهای

امنیتی وابسته به «محمد بن نائف» باشد.

اما در کنار همه این‌ها، می‌توان فرضیاتی دیگری نیز برای این فاجعه قائل بود و آن را مرتبط با نزدیکی آشکار ریاض به تل‌آویو از یک‌سو نیز تقابل تمام‌عیار آن‌ها با محور مقاومت دانست. به‌وضوح پیداست که در مقطع اخیر، مسئولان سعودی بی‌پرده روابط خود را با صهیونیست‌ها آشکار کرده‌اند و راهبرد کلان نظام سلطه در شکل‌گیری ائتلافی عبری-عربی با محوریت رژیم صهیونیستی بوده است. به‌نظر می‌رسد صهیونیست‌ها امیدوار بوده‌اند با وقوع فاجعه منا که در آن جمهوری اسلامی ایران دارای بیشترین حجاج به شهادت رسیده بود، تقابل ایران و آل‌سعود به حداکثر سطح ممکن رسیده و به نزدیک‌تر شدن هرچه بیشتر سعودی‌ها به صهیونیست‌ها بیانجامد.

هرچند در این فاجعه جمهوری اسلامی ایران تا حد زیادی از خود خویشتن‌داری نشان داد، اما سعودی‌ها (خصوصاً در فضای پس‌ابرجام) بیشتر جذب اسرائیل شده و با قطع روابط دو کشور، مقصود صهیونیست‌ها تا حد زیادی تأمین شد. در صورت پذیرش فرضیه فوق، با فرض ذی‌نفع بودن صهیونیست‌ها، می‌توان آن‌ها را هم در پشت‌صحنه ماجرا دانست.

احتمال عامدانه بودن وقوع فاجعه

از جمله مهم‌ترین سؤال‌هایی که از روزهای نخست مطرح بوده، عمدی بودن یا نبودن سوءمدیریت آل‌سعود در این فاجعه است. به این معنا که هرچند همه تحلیلگران و مسئولان امر در رابطه با سوءمدیریتی که به این فاجعه انجامیده اشتراک نظر دارند، اما برخی با قرائن و دلایلی معتقد به عمدی بودن این واقعه هستند.

در حالی که موافقان غیرعمدی بودن حادثه بیشتر بی‌تجربگی تیم جدید مدیریتی حاکمیت سعودی را مهم‌ترین دلیل بر این ادعای خود می‌دانند، اما در مقابل موافقان عمدی بودن فاجعه، به دلایلی همچون نسبت غیرمعمول شهدای ایرانی به حجاج دیگر کشورها، روند فزاینده تخاصم سیاسی سعودی‌ها در طول شش ماه قبل فاجعه نسبت به جمهوری اسلامی، نزدیکی هرچه بیشتر محور تل‌آویو و ریاض و احتمال نقش سرویس‌های اطلاعاتی، روند مشکوک حادثه‌خیزی حج و عمره و جلوگیری از

امدادرسانی کشورهای دیگر اشاره می‌کنند.

علی‌ای حال همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد تعمد و یا عدم تعمد در هر صورت، در مسئولیت حقوقی دولت آل‌سعود تأثیری نداشته و حتی در صورت سهو نیز با توجه به عمق فاجعه و بی‌کفایتی رخ داده، این دولت مسئول است.

البته نکته‌ای مهم که ذکر آن ضروری است، پیگیری فعال اقتضا می‌کند از موضع برتر در فضای رسانه‌ای و سیاسی اقدام شود تا عنداللزوم در مراحل بعدی بتوان از رهاوردهای این موضع بهره برداری نمود.

لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب

قبض و بسط اطلاعات می‌تواند به انقباض و انبساط فعالیت‌های نظام حقوق کیفری بین‌المللی انجامد. سیال بودن جریان اطلاعات و کمی و فزونی گرفتن آن به پویایی و تغییرپذیری عملکرد و موضع این نظام منتهی می‌شود. اگر روزی قلت اطلاعات موجود موجب شود تا نظام حقوق کیفری بین‌المللی در واقعه و حادثه‌ای به دیده انکار بنگرد، افزوده شدن دامنه اطلاعات می‌تواند موجب بر مسند قبول نشانیدن این واقعه جهت انجام تحقیق و تعقیب شود.

بزرگ‌ترین مشکل در مسئله منا، نامشخص و مبهم بودن داده‌ها از این اتفاق است. وقتی داده‌های روشن و واضحی در اختیار نباشد، امکان پیگیری حقوقی بسیار کم می‌شود، چراکه ادله اثبات دعوی وجود ندارد. هم‌چنین سیستم عربستان که یک سیستم پلیسی و دیکتاتورمانا است، فیلم‌ها و اطلاعات دقیق حادثه را منتشر نکرده و حتی نوار ضبط‌شده دوربین‌های مداربسته را جمع‌آوری کرده است. بنابراین باید در زمینه جمع‌آوری داده‌ها تلاش بیشتری نمود.

در اطراف فاجعه منا نمی‌توان نظر قطعی داد. اطلاعات در این باره کم است و آنچه بیان می‌شود گمانه‌زنی‌های ظنی است. شواهد و مدارک روشنی برای روشن کردن زوایای این ماجرا وجود ندارد. لیکن همه این واقعیت‌ها و قلت داده‌های موجود خود نه تنها مانع تشکیل کمیته تحقیق نیست، بلکه دلیل اصلی آن است. هدف از تحقیقات کمیسیون تحقیق، اثبات جرم و مجرمیت نیست، بلکه گردآوردن اطلاعات بیشتر و کشف تقصیر

و یا قصور است.

« تاریخ عدالت کیفری جهانی شاهد موارد پرشماری است که رسیدگی به جرائم سالیانی دراز پس از ارتکاب آن‌ها صورت پذیرفته است. فاجعه منا چه ناشی از قصور باشد چه تقصیر، می‌بایست علت و دلیلش روشن گردد و بازماندگان بدانند که بر سر عزیزانشان چه آمده است و چرا.

هرچند رهبر معظم انقلاب اسلامی در روزهای نخست فاجعه بر تشکیل کمیته حقیقت یاب تأکید نمودند، اما در این مورد به نظر می‌رسد دولت هنوز نتوانسته اقدامات مقتضی را انجام دهد و به‌واسطه تشکیل کمیته تحقیق، اطلاعات و داده‌های خود پیرامون این فاجعه را افزایش دهد.

دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، کلید گره‌گشایی از فاجعه

به نظر می‌رسد مهم‌ترین عرصه، بعد اجتماعی ماجراست. به‌عنوان مثال ضربه‌ای که فعالان رسانه‌ای با پشتوانه اجتماعی به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۱۰ در حادثه کشتی مرمر وارد کردند، بسیار شدید بود. درست است که این کشتی به غزه نرسید، اما حرکت اجتماعی و رسانه‌ای که مسلمانان بیشتر نقاط جهان راه انداختند، این رژیم را متحمل خسارت‌های فراوان کرد.

در فاجعه حج نیز باید یک حرکت اجتماعی بین‌المللی شکل گیرد. نگارنده تشکیل یک سازمان مردم‌نهاد بین‌المللی را بسیار مفید و تأثیرگذار می‌داند، سازمانی که اعضای آن از کشورهای مختلف باشند و منتخبی از خانواده قربانیان اعضای مؤسس آن باشند و همچنین متخصصان حقوق بین‌الملل و فعالان رسانه‌ای نیز در آن حضور داشته باشند. ماهیت این جنبش مردمی نیز باید بین‌المللی بوده و با چاشنی وحدت همراه باشد، نه صرفاً یک سازمان مشکل‌از ایرانیان. بدنه کارشناسی وزارت امور خارجه می‌تواند از چنین جنبشی حمایت‌های لازم را به عمل آورد تا به نتیجه مطلوب برسد و بتواند صدای قربانیان مظلوم این فاجعه را به گوش جهانیان برساند و سعودی‌ها را به پذیرش مسئولیت و پاسخگویی به افکار عمومی وادار سازد.

برای پایمال نشدن خون قربانیان این حادثه، باید اقدامات مردمی و دولتی به موازات

یکدیگر انجام شود تا امیدها برای به نتیجه رسیدن پیگیری‌ها افزایش یابد. با توجه به روابط دو دولت ایران و عربستان و حساسیت‌های موجود، مناسب است حرکت مردمی و البته با پشتوانه دولت در این مسیر جلو دار باشد و تلاش کند که توجه افکار عمومی بین‌المللی را متوجه خود سازد و اهداف خود را پیگیری نماید.

پیشنهادها و راهکارها

از مجموع مباحث ارائه شده می‌توان به برخی پیشنهادها و راهکارهای اصلاحی رسید که از جمله آن عبارت‌اند از:

۱. اتخاذ موضع فعال در مقابل رژیم سعودی و لزوم پیگیری فعال فاجعه منا
۲. تبیین منافع استکباری - صهیونیستی در ایجاد اختلاف میان مسلمین
۳. تأکید بر وجود ابهامات در پرونده فاجعه منا و وادار سازی طرف سعودی به ابهام‌زدایی
۴. اصرار بر لزوم تشکیل کمیته حقیقت‌یاب بین‌المللی
۵. تقدیر از حرکت‌های مردمی نکوداشت فاجعه و شهدای آن
۶. بررسی احتمال عمده بودن فاجعه در فضای سیاسی و رسانه‌ای
۷. معرفی فاجعه منا به‌عنوان یکی از مصادیق عدم کارآمدی رویکرد تعامل و مذاکره در حل مسائل منطقه
۸. تداوم بزرگداشت فاجعه منا و شهدای آن، حتی در صورت مشارکت در حج سال آتی
۹. وارد کردن این رویداد مهم در تقویم رسمی کشور و نام‌گذاری روز دوم مهر به‌عنوان بزرگداشت شهدای منا
۱۰. حمایت و خدمت‌رسانی هرچه بیشتر نهادهای ذی‌ربط به خانواده شهدای منا